

عفاف و حجاب از دیدگاه آیات قرآن و احادیث

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: شهریور ۱۳۹۹

ماریه محمودی یگانه

کارشناس فناوری اطلاعات سلامت، آموزگار پایه سوم ابتدایی، آموزش و پرورش جوانرود، کرمانشاه، ایران

نویسنده مسئول:

ماریه محمودی یگانه

چکیده

پوشش در ادیان و اقوام پیش از اسلام بی سابقه نیست. گویا گرایش فطری انسان، او را به نوعی پوشش فرا می خوانده است. مسأله حجاب و پوشش زن و حفظ حریم عفاف مرد و زن موضوعی است که از دیرباز در بین ملت ها مطرح بوده است و در طول تاریخ با فراز و نشیب های فراوانی همراه بوده و در اسلام نیز مورد توجه بوده و از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. طوری که در اسلام هرچه الگوه های حجاب و عفاف مراتب برتر و بالاتری داشته باشند، تاثیر بیشتری بر معنویت و دینداری فرد و جامعه خواهند گذاشت و می توان گفت که روابط اجتماعی عفاف و حجاب، یکی از ارزشهای والای انسانی و اسلامی و رمز بهداشت و سلامت روانی جامعه است. این مقاله به بررسی مفهوم عفاف و حجاب از دیدگاه آیات قرآن، سنت و احادیث می پردازد. این بررسی از نوع توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت تحلیل محتوا می باشد. امید است این تحقیق در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه تأثیرگذار باشد.

کلمات کلیدی: عفاف، حجاب، قرآن، احادیث.

مقدمه

پوشش در ادیان و اقوام پیش از اسلام بی سابقه نیست. بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق اقوام و ملل، حجاب در میان زنان معمول بوده است و گاهی با اعمال سلیقه‌ی حاکمان تشدید یا تخفیف یافته است ولی هیچ‌گاه به طور کامل از میان نرفته است. گویا گرایش فطری انسان، او را به نوعی پوشش فرا می خوانده است.

در واقع حجاب به معنای یک رفتار انسانی در طول تاریخ با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده و گرایش‌های مختلفی در هر دوره بر نوع حجاب افراد مؤثر بوده است. اگر چه رسم حجاب در بین اقوام غیر عرب مانند ایران باستان، اروپا، قوم یهود و ... مرسوم بوده است. اما اسلام، نه تنها واضح قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم و تخفیف آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن ارائه نموده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از نمادهای حیا و عفاف، نماد پوشش و لباس، بوده است و پایبندی به آن برای زنان و مردان، افتخار و شرافت به حساب می آمده است. ولی چهار قرن پیش، در اثر رنسانس در غرب، فرهنگ شرم ستیزی و عفت‌گریزی، طراحی گردید (حداد عادل، ۱۳۷۰، ص ۲۸). با این تحول، محرم و نامحرم معنای خود را از دست داد، شرم، حیا و عفت همراه با لباس زن فرو ریخت و تمام محدودیتها، در تعامل دو جنس مخالف، از میان برداشته شد (راسل، ۱۳۴۵، ص ۶۸). و پوشش اندام مشخص‌کننده جنسیت زن، نشانه عقب ماندگی و مخالف حق آزادی او قلمداد گردید.

براساس تحقیقی، در آمریکا در سال ۱۹۹۲، صد و دو هزار و پانصد مورد تجاوز جنسی به ثبت رسیده است، با این که به گزارش اف.بی.آی. تجاوز توأم با خشونت و زور از جرائمی است که کمترین میزان گزارش درباره آن وجود دارد» (هاید، ۱۳۸۴، ص ۴۱۳).

به گفته‌ی محققان، زن آرایش کرده و نیمه‌عریان غربی، با هیولای تجاوز جنسی رو به روست، هر زنی، ۱۴ تا ۲۵ درصد احتمال تجاوز به خود را می دهد (هاید، ۱۳۸۴، ص ۴۱۵).

بر اساس بازرسی که صورت گرفته است، ۸۰٪ دختران دانش آموز انگلیسی در کیف خود قرص ضد بارداری حمل می کنند و ۴۵٪ دختران جوان در مدارس مختلف عفتشان را از دست می دهند. این نسبت در مقطع تحصیلات عالی به شدت افزایش می یابد (الجمری، ۱۴۱۳، ص ۳۰).

همان گونه که در گزارش‌ها و اظهار نظرها آمده است، خود زنها، آگاهانه یا به صورت ناخود آگاه، نقش لباسی و پوشش را در رابطه با تأمین مصونیت خود مؤثر می شناسند ولی پژوهشگران وضعیت ظاهری آنان را عامل اصلی نمی دانند (هاید، ۱۳۸۴، ص ۴۲۳). و به جای پیشنهاد پوشش، آموزش مهارت‌های دفاعی و با خود داشتن بمبهای پر شده با گاز اشک آور را به عنوان عوامل باز دارنده از تجاوز معرفی می کنند (اردوبادی، ۱۳۶۷، نگاه پاک زن ...، ص ۲۵۴).

با این حال مقوله بی‌حجابی امروزه به صورت یک معضل کاملاً مشهود نیز در جامعه ما دیده می شود. معضلی که فقط برای افراد بی حجاب مشکل ایجاد نمی کند؛ در واقع آسیب‌هایی که از بی‌حجابی ناشی می شود، تمام اعضای جامعه را در بر می گیرد. حجاب و عفاف که یک دستور دینی است از مسائل مهم و کلیدی جامعه ماست و با بسیاری از مسائل پیوند خورده و دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است.

حجاب به هر حال محدودیت‌هایی را به همراه دارد و چه بسا آنان که فرصت تأمل ندارند یا در سایه وسوسه فرهنگ غرب، زندگی می کنند، پیشنهاد حجاب را برای زنان تبعیض آمیز و مصداقی از استبداد و خودخواهی مردان تلقی نمایند و تحت فشار تبلیغات رو به گسترش فیمینیستی، آهنگ رویاروی با آن را سر دهند یا در صورت ناگزیری با احساس مظلومیت، سر تسلیم در برابر آن فرود آورند (سجادی، ۱۳۸۶، ص ۶۴).

اگر چه حجاب و عفاف نوعی محدودیت و زحمت را برای زنان به همراه دارد ولی امروز به آسانی می توان مشاهده کرد که نفی حجاب و عفاف و کنار نهادن آن از سوی زنان، آثار ویرانگری را برای جوامع بشری پدید آورده است و در این فرو ریزی ارزشها، بیشترین آوارها بر سر زنان فرود آمده و به خود آنان آسیب زده است.

در واقع پوشیدگی زن، همان گونه که براساس تجربه عملی جلوی تجاوز جنسی را می گیرد و نگرانی ناشی از این خطر را از دل او می زداید؛ از نگرانی ناشی از عادت به نمایش افراطی و تصور پیری، نیز پیش گیری می کند و در عین حال به عنوان نماد عفت و حیا، به میزان مقبولیت و محبوبیت او نیز می افزاید (اردوبادی، ۱۳۶۷، آیین بهزیستی، ص ۲۱۹).

امام علی علیه السلام در این مورد فرموده اند: پوشیده و محفوظ داشتن زن مایه آسایش بیشتر و دوام زیبایی اوست (غرر الحکم، ۵۸۲۰).

در واقع می توان گفت نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف به عنوان یکی از ضرورت های باورهای دینی مستلزم برنامه ریزی صحیح در سه حوزه فرد، خانواده و جامعه است (جباری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۹). که این برنامه باید بر پایه ی مفهوم درست حجاب و عفاف باشد.

پیشینه تحقیق

پژوهش های انجام شده درباره حجاب، بسیار زیاد است، ولی به دلیل بعد تبیینی که این مسئله دارد، با هر کلمه و سخنی می توان بعضی از زوایای جدیدی از آن را استخراج کرد که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: استاد مطهری سال ۱۳۵۳ در کتاب به عنوان "مسئله ی حجاب" به بررسی حجاب و پاسخ به شبهات موجود درباره ی آن پرداخته است. او ضمن تاکید بر فطری بودن حجاب، آن را تدبیر زن برای ارزشمندی خود می داند.

دکتر مریم حاجی عبدالباقی سال ۱۳۸۶ در مقاله ی به عنوان "روش قرآن در طرح مساله ی حجاب" به بررسی روند حجاب در قرآن و تفاوت های جامعه ایران با جامعه پیامبر اکرم (ص) پرداخته است. به این گونه نتیجه می گیرد که قرآن اصل، تدریج و روش گام به گام را درباره ی حجاب و عفاف رعایت کرده است. که در این چهارچوب حجاب، عفاف و غیرت سه رأس مثلث عفاف در جامعه هستند.

فتحیه فتحی زاده در کتاب به عنوان "حجاب از دیدگاه قرآن و سنت (چاپ ۱۳۸۸)"، در ابتدا به بررسی اختصار، از پیشین حجاب سخن رفته و چگونگی آن در ایران، هند و جهان اسلام عرضه کرده و به برخی از داوروی های نادرست پاسخ داده است. سپس از واژه ها و کلماتی که در تفسیر آیات حجاب می توانست نقش اساسی را ایفا، کند به دقت بحث کرده است و حدود پوشش را مطرح ساخته و همچنین مواردی استثناء تبیین گردیده است. سپس به پوشش زن در اجتماع با دلایل تاریخی نگریسته است و در ضمن شرایط خروج زن از منزل و حضور وی در اجتماع در پرتو آگاهی های قرآنی و روایی و فقهی را بررسی کرده و در آخر به اختصار عوامل بدحجابی و بی حجابی و راه حل های دست یافتن زنان جامعه به پوشش اصیل اسلامی پرداخته است.

عبدالرضا زاهدی و همکارانش سال ۱۳۸۹ در مقاله ی به عنوان "روش قرآن کریم در نهادینه سازی "عفاف" و "حجاب" به بررسی عفاف و حجاب در قرآن بر مبنای ترتیب نزول و روش های نهادینه سازی عفاف و حجاب در قرآن پرداخته اند و در آخر این گونه نتیجه می گیرند که پوشش زن و مرد و حفظ حریم در روابط بین آنها دو ابزاری است که با نهادینه سازی آنها سلامت جامعه تضمین می شود و دو روش شناختی و فرهنگ سازی پایه پای روش تشریح استمرار دارند.

شفیعی مازندرانی سال ۱۳۹۰ در مقاله ی خود به عنوان "چیستی حجاب اسلامی، معناشناسی حجاب از منظر آیات حجاب" ضمن بررسی واژه ی حجاب، اثبات می کند که حجاب انواعی دارد و در هر مورد آن، چیستی خاصی از حجاب را می توان از دیدگاه اسلام مشاهده نمود و در این مقاله اثبات می شود که حجاب، یک اصل سابقه دار در میان افراد بشر است. همچنین حجاب در راستای تقویت، عفت و کمال انسان ها مورد توجه اسلام بوده است و از بروز بسیاری از ناهنجاری ها و فساد اخلاقی پیشگیری می کند.

الهام صادقیان سال ۱۳۹۴ در مقاله ی به عنوان "فلسفه ی حجاب و عفاف در اسلام و رابطه ی آن با سلامت روان در زندگی فردی و اجتماعی" به بیان ارتباط عفاف با حجاب، کارکردهای روانی حجاب و عفاف و تاثیر آن دو بر استحکام بنیان خانواده، ایجاد آرامش روانی در جامعه و ... پرداخته اند. به اعتقاد آنها حجاب موجب ایجاد امنیت و احساس شخصیت و هویت واقعی زنان و دور ماندن مردان از وسوس های شیطانی و تحریکات غریزی است و این امر سلامت روانی فرد و جامعه را سبب می گردد.

اکبر رهنما و همکارانش سال ۱۳۹۵ در مقاله ی به عنوان "بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه های تربیتی آن" به بررسی آثار تربیتی حجاب در دو زمینه ی فردی و اجتماعی که در بعد فردی: شخصیت، سلامت جسمانی، استحکام خانواده، آرامش و امنیت و در بعد اجتماعی: مسئولیت اجتماعی، آزادی زن، سلامت اخلاقی جامعه و حفظ نیروی کار اقتصادی و حفظ استقلال فرهنگی پرداخته اند و مسئله حجاب را یکی از نیازهای حقیقی در زمینه های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی می دانند.

مجتبی زارعی سال ۱۳۹۸ در مقاله ی به عنوان "ترویج عفاف و حجاب در خانواده و نقش آن در کاهش آسیب های اجتماعی"، ضمن بیان معنی و فلسفه حجاب و عفاف، به بررسی حجاب و عفاف در خانواده و آسیب های اجتماعی و نقش

عفاف و حجاب در کاهش آسیب های اجتماعی جهت گسترش فرهنگ حجاب در جامعه پرداخته است. در پایان این گونه نتیجه می گیرد که از آنجا که ترویج عفاف و حجاب در تنظیم روابط بین زن و مرد در خانواده نقش بسزایی دارد لیکن با تنظیم روابط همه افراد در جامعه نیز مرتبط خواهد بود و رعایت حجاب و عفاف باعث حفظ ارزش های انسانی، مقابله با تهاجم فرهنگی غرب، آرامش و پایداری نهاد مقدس خانواده، افزایش احساس امنیت اجتماعی و نیز کاهش چشمگیر آسیب های اجتماعی می شود.

طرح مساله

مسأله حجاب و پوشش زن و حفظ حریم عفاف مرد و زن موضوعی است که از دیرباز در بین ملت ها مطرح بوده است و در اسلام نیز مورد توجه بوده و از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد.

"حجاب و عفاف" در قاموس بشری، واژه های آشنایی هستند که در گذر زمان از سنت به سوی مدرنیته، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است و از جمله مفاهیمی هستند که امروزه در مجامع مختلف اعم از مجامع علمی و دانشگاهی، فرهنگی، مذهبی و برخی دستگاه های اجرایی بررسی می شوند. در این میان مردان و زنان (به خصوص زنان) با گذر زمان از هویت و شخصیت و ماهیت خود بیشتر دور شدند، و در یک حرکت جدید با بازگشت دوباره به سوی منیت خویش و توجه به سرشت و طبیعت و احتیاجات حقیقی، خود را در میان معنویت و هویت خویش را در "عفاف و حجاب" جستجو کردند (نیکوپرش راد، ۱۳۹۱، ص ۹).

اکنون پا فراتر نهاده و ادعا می کنیم که پوشش ریشه در فطرت بشر دارد و در این عصر برهنگی، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش های فطری جامعه انسانی در "عفاف و حجاب" است.

آنجا که قرآن کریم می فرماید: « فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْنَهُمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ » (سوره اعراف، آیه ۲۲)؛ « چون آدم و همسرش از آن درخت بچشیدند، شرمگاه شان پدیدار گشت و آنها شروع کردند به چسباندن برگهای بهشت بر تن خود».

و براساس روایتی امام صادق (ع) نیز می فرماید: « وقتی آدم و حوا از آن درخت خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند» (الحویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۲).

بدین سان آنچه از این آیه به روشنی می توان بهره برد فطری بودن پوشش است و این برای اثبات مدعا بسنده است. قرآن کریم در اولین مراحل تعلیم خود در سوره های مکی به ایجاد نوعی بینش و معرفت بنیادی درباره ی دو مفهوم عفاف و حجاب و سپس به فرهنگ سازی به صورت گسترده و مستمر در نهادینه سازی حجاب و عفاف پرداخته است. پس از آن در سال های نزول قرآن در مدینه و هنگامی که افکار عمومی برای پذیرش قوانین آماده شد با روش قانون گذاری به تشریح قوانینی درباره ی چگونگی التزام مسلمانان به احکام مربوط به حجاب و عفاف پرداخت (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۸، ص ۳۰۲؛ همان: ج ۷، ص ۱۷۱).

آنچه مسلم است این است که رعایت حجاب و عفاف از جانب بانوان عامل از بین رفتن حقوق آنها و پیمان شدن اعمال شایسته آنها و نیز سلب آزادی متعارف آنها در اجتماع و حبس زن در خانه نیست. بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه عفت و حیا پیشه کند، موی سر و اندام خویش را بپوشاند و از جلوه گری و خودنمایی بپرهیزد.

بنابراین، هرچند مسئله ی حجاب و عفاف به ظاهر یک مسئله ی کهن و تکراری است، اما نگاهی به مبانی "حجاب و عفاف" که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، دارای ابعاد نوینی است که با هر کلمه و هر سخنی می توان بعضی از این زوایا را استخراج کرد. بنابراین، ضرورت بررسی مفهوم حجاب و عفاف در آیات قرآن و احادیث به عنوان یک مسئله ی تحقیقی مطرح شده که از طریق این تحقیق به پرسش های اساسی زیر پاسخ داده خواهد شد: ۱- حجاب و عفاف در آیات قرآن چه مفهومی دارد؟ ۲- بین عفاف و حجاب چه رابطه ی دارد؟ ۳- عفاف و حجاب در جامع چه تاثیری دارد؟

روش کار تحقیق

با توجه به ماهیت و کیفیت این تحقیق، روش کار تحقیق، روش تحلیل محتوا است و با توجه به موضوع این تحقیق که به بررسی مفهوم حجاب و عفاف در آیات قرآن و احادیث می پردازد، این تحقیق از جمله ی تحقیقات بنیادی قرار می گیرد و ابزار تحقیق نیز شامل فرم های فیش برداری است و داده ها نیز با استفاده از شیوه های تحلیل محتوای کیفی^۱ متن مقالات، اسناد و کتاب های مرتبط با عنوان تحقیق جمع آوری و طبقه بندی شده است.

مفهوم شناسی واژه ها

در ابتدا لازم است دو مفهوم عفاف و حجاب به طور جداگانه بررسی شود.

۱. تحلیل محتوای کیفی را میتوان نوعی روش شناسی تحقیق در خدمت تفسیر محتوایی داده ها دانست.

عفاف در لغت و اصطلاح

واژه ی عفاف به فتح عین، مصدر ماده ی "عف" و مصدر دیگر آن "عفه" است که هر دو به یک معنا بوده و به جای یکدیگر به کار می روند. ابن منظور در تعریف واژه ی عفاف می گوید: "خودداری از عمل یا سخنی که حلال یا نیکو نیست" (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۵۳).

عفاف در قرآن کریم به معنای "حالت نفسانی که از غلبه شهوت باز دارد" آمده است. به بیان قرآن کریم عقیف به شخصی اطلاق می شود که خود نگهدار و با مناعت باشد. مطابق این معنا، عفاف در مفهوم عام خود عبارت از خویشتن داری در مقابل هر نوع تمایل افراطی نفسانی است (زارعی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۷).

عفاف مورد توجه در اسلام، به هیچ وجه جنسیتی مطرح نشده و به صنف خاصی اختصاص ندارد و برای زن و مرد یک فضیلت اخلاقی به شمار می آید.

مسئله پوشش و حفظ عفاف خاص دنیای اسلام و حتی دنیای ادیان توحیدی نیست. براساس زمینه فطری، حتی جوامع اولیه و به دور از تمدن و مذهب هم آن را مورد توجه خود قرار داده اند و در همه جوامع و ملل به صورت های گوناگون، کم و بیش وجود داشته است، اما با آمدن اسلام این مسئله به عنوان یک حکم تکلیفی و ضروری برای زنان تعیین گردید (مطهری، مسئله حجاب، ۱۳۵۳).

البته با بررسی آیات و روایات در می یابیم که رعایت عفاف شامل مردان نیز می شود و نیز در لزوم رعایت عفاف، تفاوتی بین افراد زن و مرد وجود ندارد. اما به علت طبیعت و روحیه زنان، اسلام برای آن که قدر و ارزش زن ها محفوظ باشد با مقرر داشتن حکم پوشش، زنان را از سهل الوصول بودن مصون داشته و با حجاب محدوده مطمئن تری پیرامون او قرار داده است. بنابراین برای سالم سازی جامعه باید به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد تا سلامت و امنیت اجتماعی در جامعه پایدار شود.

حفاظت و مراقبت از عفت عمومی هم بر عهده زنان و هم مردان است، مردان با غیرت فردی و اجتماعی و زنان با آزر و حیا باید عفت عمومی جامعه را پاس دارند.

حجاب در لغت و اصطلاح

حجاب از لحاظ لغوی هم به معنای پوشیدن و هم به معنای پرده و حاجب به کار می رود (مطهری، ۱۳۷۲، مجموعه آثار، ص ۶۲). و به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را می توان حجاب نامید، و از دیگر معانی حجاب در لغت، می توان به پوشش، پرده، منع و آنچه میان دو چیز واقع شده اشاره کرد (انوری ۱۳۸۱، ج ۳: ص ۲۴۶۸).

حجاب، به معنای پوشش اسلامی، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشند؛ تا حجاب اسلامی محقق شود.

بر این اساس، حجاب مانع ملاقات طرفین با یکدیگر از راه حس لامسه و باصره است. این مانع گاه معنوی است، مانند آنچه قرآن کریم درباره ی شیوه های وحی بر نبی اکرم (ص) می فرماید: "و ما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیا او من وراء حجاب او یرسل رسولا" (سوره شوری، آیه ۵۱): و گاه مادی است مانند آنچه درباره ی شیوه ی تعامل با همسران پیامبر آمده است.

یا در آیه ی "و اذا سألتهمون متاعا فسألوهن من وراء حجاب" (سوره احزاب، آیه ۵۳):

این روایت ها بر این نکته تاکید دارد حجاب در اسلام هرگز مانع حضور زنان در عرصه جامعه و فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و مانع رشد استعداد های علمی و توانایی های زنان نیست؛ بلکه می خواهد این حضور در حریم امن اجتماعی عمل شود و بیان می دارد که حجاب احترام و عزت ایجاد می کند.

حجاب می تواند اقسام متفاوتی داشته باشد، از جمله حجاب ذهنی، فکری و روحی، علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می کند، نام برده شده است، مثل حجاب و پوشش در نگاه که به مردان و زنان، در مواجهه با نامحرم توصیه شده است.

حجاب و عفاف در قرآن کریم

به طور کلی در ۲۱ سوره از سوره های قرآن دو مفهوم حجاب و عفاف بررسی می شود که عبارت اند: سوره های اعراف، مریم، طه، شعراء، نمل، قصص، هود، یوسف، حجر، صافات، انبیاء، مومنون، معارج، عنکبوت، آل عمران، احزاب، نساء، الرحمن، نور، تحریم، مائده.

طرح مسئله ی حجاب و عفاف در سوره های مکی که پس از سال سوم بعثت، یعنی پس از دعوت علنی پیامبر (ص)، نازل شده اند آغاز می شود که ۱۴ سوره از ۲۱ سوره در سوره های مکی به چشم می خورد که قالب طرح در این سوره ها اغلب بیان داستان است.

در سوره های مدنی، قالب بیان بیشتر تشریح احکام مربوط به حجاب و عفاف است که در خلال شکل گیری جامعه ی مسلمین در مدینه در سال های سوم هجرت به بعد نازل شد. بیشتر احکام و آیات صریح مربوط به حجاب و عفاف مربوط به دو سوره ی احزاب و نور است که به گواهی مفسران در سال پنجم هجرت و در خلال وقایع مربوط به جنگ احزاب، ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش و همچنین جریان افک که در این سال ها واقع شد نازل شده اند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ص ۳۰۲؛ همان: ج ۷، ص ۱۷۱).

انواع حجاب قرآنی

قرآن پذیرفته است که تعامل زن و مرد در حیات اجتماعی، اجتناب ناپذیر است ولی درباره محتوا، شکل و شیوه معاشرت، طرح و توصیه ویژه دارد.

۱. حجاب چشمی

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): "حماديات النساء غرض الابصار حفر الابصار حفر الاعراض فصر الوهازه!" رسول خدا می فرمایند: بارزترین درجه زنان سه چیز است: پوشیدن چشم از نامحرم، پوشیدن تمام اندام از بیگانگان، کم و با حیا از منزل بیرون شدن (قمی، ۱۳۶۴، ص ۲۹۸؛ پاک نژاد، ۱۳۷۵، ص ۱۸۲).

قرآن در این آیه می فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ» (سوره ی نور، آیه ۳۰). «مؤمنان را بگو که دیدگان خویش را فرو دارند و شرمگاههای خود را بپوشانند، این، برای افزایش تزکیه آنها مؤثرتر است.» یا در این آیه می فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ...» (سوره نور، آیه ۳۱).

«وبه زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (ازنگاه هوس آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند، و (اطراف) روسری های خود را برسینه خود افکنند...».

رسول خدا همچنان می فرماید: برای هر عضوی بهره ای از زنا است و زنا ی چشم، نگاه بد (چشم چرانی) است (میزان الحکمه، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ص ۷۵).

۲. حجاب گفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است. چنانکه در آیه ی زیر می فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (سوره احزاب، آیه ۳۲).

«پس در گفتار فروتنانه و با کرشمه سخن مگوئید تا بیمار دلان به طمع نیفتند و لحن پیراسته از باطل بر زبان جاری کنید.»

۳. حجاب رفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه ای راه نروند که با نشان دادن زینت های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند. چنانچه در آیات زیر می فرماید:

«وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (سوره نور، آیه ۳۱).

«پای بر زمین نکوبند به گونه ای که زینت پنهان داشته شان را به اطلاع دیگران برسانند! - و مردان غریبه را به خود جلب نظر نمایند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بهترین زنان شما، زنی است که برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، اما خود را از نامحرمان بپوشاند (مجلسی، ج ۱۰۳: ص ۲۳۵).

خودنمایی - حتی اگر توسط زنان سالخورده هم صورت بگیرد - نارواست.

«وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ» (سوره نور، آیه ۶۰).

«زنان بازنشسته که امید به ازدواج ندارند، اجازه دارند که جامه های خود را کنار گذارند بدون این که با زیور آلات شان به خودنمایی بپردازند».

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (سوره احزاب، آیه ۳۳).

«به گونه خودنمایی جاهلیت پیشین^۱، به خودنمایی نپردازید».

امام صادق (ع) نیز با اشاره به چنین پیش بینی، از آیه یاد شده می فرماید: «ای سیکون جاهلیه آخری»:

«در آینده نه چندان دور، جاهلیت دیگری، شکل خواهد گرفت» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ص ۱۹۳).

۴. حجاب قلبی

«وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (سوره احزاب، آیه ۵۳).

«و هرگاه از زنان پیامبر (ص) کلاهی خواستید، از پشت پرده بخواهید. این، سبب افزایش طهارت دلهای شما و آنان می شود».

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: از گفتگو و اختلاط با زنان بهره‌یز، به راستی هیچ مردی با زن نامحرمی در خلوت سخن نمی گوید، مگر اینکه در دل او نسبت به وی رغبت پیدا می کند (خوانساری و همکاران، ۱۳۴۹، ص ۱۴۱؛ محمدی نیا، ۱۳۸۰، ص ۹۸). بنابراین، حجاب و پوشش زن، به منزله ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرمی است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند.

کیفیت حجاب و عفاف

پوشش واقعی پوششی است که بدن انسان را از نامحرمان بپوشاند و نازک و بدن نما نباشد. علی (ع) فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيْقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ تَوْبُهُ رَقَّ دَبْنُهُ» از لباس نازک بهره‌یزید زیرا کسی لباسش نازک است ایمانش هم ضعیف و کم رنگ است، حجاب باید همراه با حجب و حیا باشد (وشنوی، ۱۳۵۲، ص ۱۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز می فرماید: برای زن سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه اش لباسش را جمع و فشرده کند (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۶، ج ۱۴: ص ۱۹).

حضرت علی درباره حقیقت عفت نیز می فرماید: «الصبرُ علی الشهوه عفه» عفت مقاومت در برابر شهوتها است.

همچنین در روایت دیگری می فرماید: «العفاف زهاده» عفت، بی رغبتی نسبت به خواسته های نفسانی است و اما عقیف به جاهلیت اولی عصر قبل از اسلام است که در آن عصر، زنان غیر از همسر خود، ارتباط دوستی با مردان دیگر نیز داشتند، با این تفاوت که آمیزش جنسی را حق همسر خود می دانستند ولی با دوستانش سایر ارتباطهای جنسی را مانند بوسیدن، در آغوش کشیدن مجاز می شمرده اند (طبرسی، مجمع البیان، ۳۵۶/۴). چیزی که امروز در جامعه سکولار و غیر دینی رواج دارد.

کسی گفته می شود که در برابر خواسته های نفسانی، از جمله، کشش های جنسی، مقاومت نموده و خود را حفظ نماید (مطهری، ۱۳۷۶، تعلیم و تربیت، ص ۶۵).

ازعایشه (رضی الله عنه) روایت شده که روزی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) وارد خانه شد، از اسماء در حالی که جامه های نازک و بدن نما پوشیده بود روبرگرداندند و گفتند: ای اسماء همین که زن به حد بلوغ رسید، سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر این و آن که حضرت اشاره به مچ دست به پایین و صورتشان نمود (سنن ابی داوود، ۱۴۱۸، ج ۴: ص ۶۲).

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمودند: در مورد زینت هایی که جایز است زن در مقابل نامحرم ظاهر کند صورت و کف دو دست است (مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۳؛ حمیری، ۱۴۱۳، ص ۴۰).

رابطه ی عفت، حیا و نسبت آن دو با حجاب

عفاف و حیا یک حالت درونی است، بنابر تعریف علمای اخلاق در اسلام، حیا حالتی نفسانی و درونی است که انسان را از ارتکاب عمل ناپسند باز می دارد و عفت حالتی درونی و نفسانی است که انسان را از ارتکاب عمل جنسی ناپسند باز می دارد.

عفت و عفاف مورد توجه در اسلام، به هیچ وجه جنسیتی مطرح نشده و فقط هم، در قالب پوشش مطرح نیست. عفاف راهبرد زندگی یک انسان مسلمان است، چه مرد باشد و چه زن و خداوند عفاف و حیا را برای زن جزو خصلت وجودی او قرار داده است، از این رو همه زنان مسلمانی که دارای فطرت پاک هستند دارای این خصلت می باشند و همین معنا ضرورت آموزش آن را به خوبی بیان می کند.

بی تردید حیا و عفاف دو حالت روحی است که بخشی از رفتار بیرونی انسان را تحت تأثیر قرار می دهد و با استمرار رفتار مناسب، به ثبات و استواری بیشتر می انجامد. راغب اصفهانی می گوید:

«حیا عبارت است از خود داری نفس از انجام هر کاری که آن را زشت می داند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۰).

و با توجه به معانی ذکر شده، حجاب یک امر ظاهری و بیرونی است؛ یعنی در حقیقت پوشش ظاهری افراد، بویژه زنان را حجاب می گویند.

مسئله اصلی و بنیادین عفت است. عفت فراتر و برتر از حجاب است. حجاب می تواند ریایی، تحصیلی، ظاهری و یا غیره اختیاری باشد؛ ولی عفت، یک خصلت و ارزش اختیاری است. ممکن است کسی حجاب مناسب داشته باشد ولی عفت در نگاه، سخن گفتن و یا امور جنسی نداشته باشد که این خود نمونه حجاب بدون عفت است.

بدیهی است با این تعاریف عفت شاخ های از حیاست و حیا اعم از عفت است که انسان را از گناه و حرام باز می دارد و آثار آن در گفتار و کردار انسان نمود پیدا می کند و حجاب درحقیقت همان نمود "عفاف" در نوع پوشش است. عفاف، روح پوشش است و کالبد پوشش آن، فلسفه حجاب است و حجاب، تضمین کننده عفاف و حیا می باشد.

بنابراین حجاب با معنای پوشش بیرونی و عفاف با معنای پوشش درونی دو عاملی هستند که موجب سلامت جامعه می شوند و در صورت نبود آنها مشکلات و اثرات مخرب زیادی در جامعه به وجود خواهد آمد. بنابراین برای سالم سازی جامعه به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد و حفاظت و مراقبت از عفت عمومی بر عهده زنان و مردان است، مردان با غیرت فردی و اجتماعی و زنان با آزر و حیا باید عفت عمومی جامعه را پاس دارند.

آنچه تاکنون از حجاب و حیا و عفاف گفتیم حکایت از آن داشت که حجاب عاملی است برای دور کردن آسیب ها از ساحت زن، در حالی که همین عامل دفع و رد، در جایی دیگر به نوبه خود عامل جذب و زمینه جذابیت نیز است. تقریباً همه، بر این نکته تأکید دارند که حیا و عفت قدر و قیمت زن را بالا می برد. تمام مردان اعم از خواستگار، شوهر، محارم و نامحرمان، به زن با حیا، احترام قائلند و زن بی حیا و بی آزر را حقیر می شمارند.

وليام جيمز (روان شناس معروف آمريكايي) مي گويد:

«زنان دریافته اند که دست و دلبازی (بی حیایی) مایه طعن و تحقیر است و این را به دختران خود یاد دادند» (ویل دورانت، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹).

استاد مطهری نیز بر این باور است که "عفت و حجاب، برای زن هم وسیله تصاحب دل مرد است و هم حایل و مانع در برابر گرفتاران به جنون جنسی و انگیزه تجاوز"، در واقع زن هر اندازه متین تر و با وقارتر و عقیف تر حرکت کند به احترامش افزوده است.

قرآن پس از آنکه توصیه می کند زنان خود را بپوشانند می فرماید: «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» یعنی این کار برای این که به عفاف شناخته شوند و معلوم شود خود را در اختیار مردان قرار نمی دهند بهتر است «مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۷۲: ج ۱۹، ص ۴۲۱).

جایگاه حجاب و عفاف در جوامع امروزی

در تمامی جوامع بشری از عهد باستان تا آغاز عصر مدرنیسم حتی در جوامع غیردینی، انسان همواره حجاب و پوشش کاملی داشته است. عفاف و حجاب دو ارزش اخلاقی در جامعه بشری بویژه جوامع اسلامی است که همواره در کنار هم و گاه به جای هم به کار رفته اند. حیا و عفاف که عامل پوشیدگی و حجاب است، ریشه در فطرت انسان دارد و انسان از بدو خلقت به دلیل حیا و شرمینگی که خداوند در وجودش قرار داده، همیشه سعی در پوشاندن خود داشته است و همواره دین اسلام، حجاب را از ضروریات دانسته است.

اما امروزه در جهان، عفاف به عنوان یک ارزش شناخته نمی شود، حتی در کشورهای اسلامی، زنان عقیف و پاکدامن منزوی هستند و اصولاً شرایط این گونه جوامع به گونه ای است که زنان پاکدامن نتوانند حضور اجتماعی فعال داشته باشند و گاهی رسماً اعلام می کنند که حضور دختران محجبه در مدارس و دانشگاه ها ممنوع است که در عصر کنونی برخی دگراندیشان

غریب‌گرا نام دوران حاضر را عصر برهنگی و آزادی جنسی گذاشته‌اند. آنان بی بندوباری را جزئی از آزادی انسان می‌دانند (باقری و همکاران، ۱۳۹۳).

حجاب و عفاف از جمله مفاهیمی هستند که امروزه در مجامع مختلف ما اعم از مجامع علمی و دانشگاهی، فرهنگی، مذهبی و برخی دستگاه‌های اجرایی بررسی می‌شوند.

هر یک از این مجامع، راهکارها و روشهای مختلفی را برای گسترش حجاب و عفاف در جامعه پیشنهاد داده‌اند. اما همچنان در بین برخی اقدار جامعه نهادینه نشده و ابهاماتی در این باره در اذهان برخی افراد که از جمله ی آنها جوانان و نوجوانان هستند به چشم می‌خورد. ثبات و استمرار یک رفتار در جامعه نیازمند شناخت روشهایی است که از یک طرف با نیازهای فردی و اجتماعی انسانها در تضاد و تعارض نباشد و از سوی دیگر با اعمال آنها بتوان سلامت فرد و جامعه را تضمین کرد (بهجت پور، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۳۷).

در واقع حجاب پشتوانه زندگی اجتماعی است. گر چه به ظاهر اختصاص به زنان دارد، لکن بر مردان نیز رعایت حجاب در حدی لازم است (یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهنم) و تفاوت حجاب زنان با حجاب مردان، از حیث حدود و محدوده حجاب است نه در اصل آن (یغضضن من ابصارهن و یحفظن فجوهرهن).

حجابی که اسلام برای زنان تعیین فرموده به معنای در خانه ماندن و نداشتن فعالیت اجتماعی نیست، بلکه زنان با رعایت کامل حجاب می‌توانند در اجتماع و هر جا که ضرورت داشته باشد، حضور داشته باشند

نتیجه گیری

احکام و دستورات موجود در اسلام همه و همه، بیانگر توجه دقیق و موشکافانه اسلام نسبت به سلامت جامعه و فرد می‌باشد. در روابط اجتماعی عفاف و حجاب رمز بهداشت و سلامت روانی جامعه است و یکی از ارزشهای والای انسانی و اسلامی به شمار می‌رود که سرچشمه ارزشهای دیگر و موجب آثار درخشان معنوی است، که میتوان آن‌ها را از پایه های اخلاق و صفت کلیدی برای عقب زدن ردای در روابط اجتماعی و سوق دهنده به سوی تکامل و درجات عالی و کمالات متعالی زنان و مردان در جامعه دانست.

در بین مسائل مختلف اخلاقی و اجتماعی خانواده، رعایت عفاف و حجاب زنان و مردان، و نحوه ارتباط های اجتماعی از مسائل مهمی است که متأسفانه امروزه در جوامع با تهاجم و شبیه خون فرهنگی مورد غفلت و تسامح و تساهل قرار گرفته است و بنیان خانواده و اجتماع را مورد هجوم قرار داده است. وضعیت موجود در روابط اجتماعی و خانوادگی نشان می‌دهد که نوعی انحراف از فطرت زنان و مردان ایجاد شده است که ماحصل آن گامی به سوی بی بند و باری و فساد در روابط اجتماعی است. جهت حل معضلات و مشکلات اجتماعی نیاز به الگوی عملی برای زنان و مردان است که با پیروی از این الگو و همانند سازی می‌توانند مسیر هدایت و سعادت و آرامش را به دست آورند. که با توجه به وضعیت عفاف و حجاب در جامعه امروزه و آشنایی با سیره و الگوگیری در گفتار و رفتار و رعایت عفاف در روابط اجتماعی، بسیار ضروری و حیاتی است. با رعایت حجاب و عفاف از طرف مردان و زنان (به ویژه بانوان در زمینه حفظ حجاب) جامعه از بسیاری از خطرات حفظ خواهد شد و مهمتر از همه اینکه با حفظ حجاب بنیان خانواده که اصلیتین نهاد اجتماع است در معرض خطر قرار نمی‌گیرد.

پیشنهادهات

برای ایجاد فرهنگ حجاب و پوشش مناسب در جامعه، باید ابتدا پایه های اعتقادی و بینش افراد را نسبت به این موضوع، محکم کنیم. برای رسیدن به این منظور باید فرهنگ حجاب در جامعه گسترش پیدا کند و این، یعنی نهادینه سازی باورهای درست و فرهنگ سازی دقیق در جامعه که در این امر دولت، خود مردم، رسانه های گروهی می‌توانند نقش مؤثری بر ترویج حجاب داشته باشند که در صورت تحقق این موضوع جامعه از خطرات حفظ و آسیب های اجتماعی کاهش می‌یابد. بنابراین، تهدید و اجبار، هیچ گاه به عنوان اولین راهکار، اثر بخش نخواهد بود.

منابع و مراجع

۱. ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل محمد بن مکرّم؛ لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۲. ابی داوود؛ سنن ابی داوود، چاپ اول، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۸ هـ.
۳. الجمری، عبدالامیر المنصور؛ المرأة فی ظلّ الاسلام، چاپ اول، بیروت، دار البلاغ، ۱۴۱۳ هـ.
۴. الحویزی، عبدالعلی؛ تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ.

۵. اردو بادی، احمد صبور؛ آیین بهزیستی اسلام، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ش.
۶. اردو بادی، احمد صبور؛ نگاه پاک زن و نگاه های آلوده به او، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷ش.
۷. انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱ش.
۸. باقری، مصطفی و تکتیم، سمیه (۱۳۹۳)، "حجاب و عفاف در جوامع امروزی" اولین همایش ملی فرهنگ عفاف و حجاب.
۹. بهجت پور، عبدالکریم؛ همگام با وحی، قم، سبب النبوی، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. پاک نژاد، رضا؛ ازدواج مکتب انسان سازی، نشر اخلاق، ۱۳۷۵ش.
۱۱. جباری، نادر. فرهمند، علی. فراهانی، زهرا (۱۳۹۱)؛ "بررسی نقش نظام آموزشی در نهادینه سازی حجاب"، اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران.
۱۲. حداد عادل، غلامعلی؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، چاپ چهارم، تهران، سروش، ۱۳۷۰ش.
۱۳. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق.
۱۴. خوانساری، آقاجمال. تبریزی، شریعتمدار؛ عقاید النساء و مرات البلهاء، گردآوری کتیرایی، محمود، چاپ ۱، تهران، نشر طهوری، ۱۳۴۹ش.
۱۵. راسل، برتراند؛ جهانی که من می شناسم، ترجمه روح الله عباسی، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۴۵ش.
۱۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل؛ مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت، الدار الشامیة، ۱۴۱۲هـ.
۱۷. زارعی، مجتبی (۱۳۹۸)؛ "ترویج عفاف و حجاب در خانواده و نقش آن در کاهش آسیب های اجتماعی"، فصل نامه دانش انتظامی خراسان شمالی، دفتر تحقیقات کاربردی فا.ا. خراسان شمالی، سال ششم، شماره ۲۲، تابستان.
۱۸. سجادی، ابراهیم (۱۳۸۶)؛ "قرآن و فلسفه حجاب"، دوره ۱۳، شماره ۵۱-۵۲، زمستان، صفحه ۶۲-۹۱.
۱۹. شیخ الاسلامی، حسین؛ غرر الحکم، چاپ چهارم، قم، ناشر انصاریان، ۱۳۷۸ش.
۲۰. قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ش.
۲۱. قمی، عباس؛ سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، انتشارات دارالاسوه، ۱۳۶۴ش.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی، چاپ سوم، قم، دارالکتب، ۱۳۶۷ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۰۳ و ۱۰۴.
۲۴. محمدی اشتهاردی، محمد؛ پوشش زن در اسلام، نشر ناصر، ۱۳۸۶ش.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه. ترجمه حمید رضا شیخی. قم؛ موسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۳۷۷ش، ج ۱۰.
۲۶. محمدی نیا، اسدالله؛ بهشت خوبان، قم، نشر سبب اکبر، ۱۳۸۰ش.
۲۷. مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶ش.
۲۸. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ش.
۲۹. مطهری، مرتضی؛ مسئله حجاب، تهران، نشریه انجمن اسلامی، ۱۳۵۳ش.
۳۰. نیکوبرش راد، فرزانه (۱۳۹۱)؛ "بررسی مبانی حجاب و عفاف در قرآن"، ماهنامه تبیان، شماره ۸۶-۸۵، تابستان، صفحه ۹.
۳۱. وشنوی، قوام الدین؛ حجاب در اسلام، چاپ حکمت، ۱۳۵۲ش.
۳۲. ویل دورانت؛ لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸ش.
۳۳. هاید، جانث شیلی؛ روانشناسی زنان، ترجمه اکرم خمسه، چاپ اول، تهران، نشر آگاه و انتشارات ارجمند، ۱۳۸۴.
۳۴. همان، جلد ۷.